

بررسی تاثیر وابستگی به گروه تجاری بر انتخاب حسابرس

محمد علی اکبر خانی

مربی گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

m.akhani55@gmail.com

دکتر نادر نقش بندی

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان، ایران. (نویسنده مسئول)

Nader_naghshbandi@yahoo.com

شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ (جلد سوم) / صص ۱-۲۷
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره دوم)

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی تاثیر وابستگی به گروه تجاری بر انتخاب حسابرس در نمونه ای از ۱۶۳ شرکت در بورس اوراق بهادار انجام شد. داده‌های متغیرهای مورد مطالعه برای یک دوره نه ساله (۱۳۸۸-۱۳۹۶) از صورت‌های مالی حسابرسی شده و در برخی موارد از نرم افزار ره آورد نوین گردآوری شد. در راستای دستیابی به هدف تحقیق سه فرضیه آزمون شد. تحلیل داده‌ها در این تحقیق با استفاده از روش پانل دیتا در نرم افزار STATA انجام پذیرفت. به منظور بررسی نوع داده‌ها از آزمون هریس تیزاوالیس و جهت بررسی مدل آثار ثابت و تصادفی قبل از برازش هر مدل رگرسیونی از آزمون هاسمن بهره گرفته شد. بر اساس تحلیل آماری نتایج در سطح خطای پنج درصد نشان داد بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور رابطه معنی داری وجود ندارد. تمرکز مالکیت در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور تاثیر معنی داری ندارد. کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور تاثیر معنی داری ندارد.

کلید واژه‌ها: وابستگی به گروه تجاری، انتخاب حسابرس، تمرکز مالکیت.

مقدمه

حسابرسی صورت‌ها و سایر اطلاعات مالی از مهمترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود. حسابرسان مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مورد رسیدگی آلودگی‌ها را از اطلاعات مالی می‌زدایند و موجب شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. بر همین اساس، حسابرسی صورت‌های مالی توسط حسابرسان مستقل به عنوان یکی از الزامات اصلی بورس‌های مختلف دنیا به شمار می‌آید. در دهه اخیر، به دلیل برخی رسوایی‌های مالی نظیر رسوایی‌های حسابداری شرکت‌های انرون^۱، ورلدکام^۲ و نظایر آن استقلال حسابرسان همواره مورد سؤال قرار گرفته و

¹ Enron

² Worldcom

نهادهای نظارتی حرفه حسابداری و بازار سرمایه به منظور تقویت استقلال حسابرسان، تغییر منظم آن ها را به عنوان یکی از راهکارها پیشنهاد، یا الزام کرده، و به اجرا گذاشته اند. در سال های اخیر بعد از تشکیل جامعه حسابداران رسمی، پدیده تغییر حسابرس و در پی آن ارائه اظهار نظر مورد درخواست صاحبکار در شرکت های پذیرفته شده در بورس، به پدیده ای مرسوم تبدیل گردیده است. این موضوع می تواند قدرت حرفه ای و استقلال حسابرس را تحت الشعاع قرار داده و پیامدهای نامطلوبی را به همراه داشته باشد. تغییر مداوم حسابرسان موجب کاهش اعتماد سرمایه گذاران و سهامداران به گزارش های مالی می گردد، زیرا آنان این پدیده را به نوعی عاملی در تضعیف استقلال حسابرسان به عنوان سنگ زیر بنای حرفه حسابرسی می دانند. در نظر ناپ و الیکای^۱ (۱۹۸۸) کاهش اعتماد استفاده کنندگان نسبت به گزارش های حسابرسی منتشر شده، آثار پربار حسابرسی را خنثی، اعتبار حرفه را خدشه دار، جریان سرمایه در بازار را کند و هزینه سرمایه را افزایش می دهد. گینزبرگ و ونکاترامان^۲ (۱۹۸۵) بیان می کنند که تنها یک عامل و یا یک الگوی سازمانی یا محیطی وجود ندارد که بتوان بر اساس آن انگیزه شرکت ها را درباره تغییر حسابرسان به نحو مطلوب تبیین کرد.

ادبیات نظری

در این تحقیق انتخاب حسابرس و پیامدهای اقتصادی آن را برای شرکت های وابسته به گروه های تجاری بررسی می شود. طبق پژوهش آلمیدا و ولفنزون^۳ (۲۰۰۶)، یک گروه کسب و کار به عنوان یک ساختار تعریف می شود که حداقل دو شرکت مستقل قانونی تحت کنترل یک مالک هستند. در مقایسه با همتایان خود در شرکت های مستقل، سهامداران کنترل در گروه های کسب و کار می توانند معاملات گروهی را ترتیب دهند که به نفع شرکای عضو شرکت های دیگر، به نفع شرکت های عضو دیگر بوده و از معاملات درون گروهی برای سوءاستفاده یا عملکرد واقعی بهره برداری کنند (فیسمن و وانگ^۴، ۲۰۱۰). ساختار پیچیده گروه و معاملات درون گروهی مبهم، دستکاری و سوءاستفاده درآمد را تسهیل می کنند که منجر به آن می شود هزینه های نمایندگی فراتر از هزینه های مالکیت افزایش یابد، از جمله هزینه بین حقوق کنترل و حقوق جریان پول (لینس^۵، ۲۰۰۳). این امر باعث افزایش مشکلات سازمان در شرکت های وابسته به گروه های تجاری می شود، از جمله، معاملات درون گروهی، کنترل کنندگان گروه را قادر می سازد منابع را از شرکت هایی که دارای سهم سهام کمتری هستند، در شرکت هایی که دارای ارزش بالا هستند، منتقل کنند، وضعیتی که می تواند حتی در صورت عدم وجود اختلاف بین حقوق کنترل و حقوق نقدی جریان ایجاد شود.

نسبت به شرکت های مستقل، این بدان معنی است که شرکت های وابسته به گروه های تجاری مشکلات سازمان را بدتر می کنند، حتی زمانی که سازه های مالکیت آنها مشابه با شرکت های مستقل هستند (کلاسنس و همکاران^۶، ۲۰۰۲). این پژوهش گروه های تجاری را با بررسی تأثیر آن ها بر انتخاب حسابرس با توجه به اینکه شرکت های وابسته، از درگیری های شدید نمایندگی بین سهامداران بزرگ و سرمایه گذاران اقلیت رنج می برند، گسترش می دهد. تنش ناشی از انگیزه های گزارشگری مالی که در شرکت های گروهی تجربه می شود، آغازگر طرح مسئله در این پژوهش است. ساختار پیچیده شرکت های

¹ Knapp and Elikai

² Ginsberg and Venkatraman

³ Almeida and Wolfenzon

⁴ Fisman and Wang

⁵ Lins

⁶ Claessens, et al.

گروهی، فرصت های منحصر به فردی را کارکنان کنترل ارائه می دهد تا سرمایه گذاران اقلیت را از طریق انحراف منابع مالی شرکت محروم کرده و یا عملکرد واقعی را از طریق معاملات درون گروهی پنهان کند (جیان و وانگ^۱، ۲۰۱۰). به این ترتیب که سهامداران می توانند نگرانی نظارت خارجی را با حسابرسی های سخت تر رفع کنند، اگر چه این امر توانایی آنها در افزایش مزایای خصوصی یا عملکرد واقعی مختل می کند.

بر این اساس، سهامداران در شرکت های گروهی، انگیزه های رقابتی در مورد بهبود شفافیت حسابداری دارند. از یک سو، مدیران در شرکت های گروهی ممکن است انتخاب کنند که مزایای خصوصی خود را مصرف کنند که بعداً با تحریف درآمد گزارش شده، آن را پنهان سازند. در تلاش برای پنهان کردن فعالیت های انحرافی خود، سهامداران ممکن است از موقعیت خود برای دستکاری گزارش های مالی برای کمک به سرکوب اطلاعات بر عملکرد واقعی شرکت استفاده کنند. در صورت عدم وجود یک حسابرس با کیفیت بالا، نیت اشخاصی که قصد دارند ضمانت نامه های مالی نامعتبری را برای پوشش فعالیت های خود ارائه دهند، آشکار خواهد شد. از سوی دیگر، سهامداران کنترل که در برابر وسوسه تحریف مقاومت می کنند، ممکن است ترجیح دهند گزارش مالی را بهبود بخشد تا سرمایه گذاران را متقاعد کند که از مزایای خصوصی استفاده کنند. در این وضعیت، شرکت های گروهی باید تقاضای بیشتری برای حسابرسان با کیفیت بالا داشته باشند؛ زیرا مدیران هیچ چیزی برای پنهان کردن ندارند. از دیدگاه سهامداران کنترل در شرکت های وابسته به گروه، حسابرسی های با کیفیت بالا زمانی دارای آثار منفی هستند که آنها منافع سرمایه گذاران اقلیت را با حداکثر رساندن ارزش شرکت، نهادینه کنند. برای هر دو شرکت گروهی و غیرگروهی در بازار سرمایه، شکاف عمده ای بین حقوق سهامداران کنترل بزرگ و دیگر سهامداران وجود دارد (فیرس و همکاران^۲، ۲۰۰۷). موقعیت غالب سهامداران نهایی، توانایی و انگیزه آن ها را برای هدایت منابع شرکتی از طریق معاملات درون گروهی افزایش می دهد، و موجب تشدید اختلافات آژانس بین سهامداران و سهامداران اقلیت می شود (فیسمن و وانگ، ۲۰۱۰). این مشکل همراه با موسسات حمایت کننده سرمایه گذاری بسیار ضعیف و حاکمیت ضعیف شرکت ها، نظارت خارجی را توسط حسابرسان به طور فزاینده ای مهم نموده است. با توجه به اینکه سرمایه گذاران اقلیت در مورد زمانیکه نظارت خارجی سخت تر می شوند بیشتر در مورد شرکت ها می آموزند، شواهد اخیر نشان می دهد که حسابرسان نظارت ارزشمندی در بازارهای سرمایه کشور دارند (گال و همکاران^۳، ۲۰۱۰).

انگیزه سهامداران کنترل، به هزینه و منافع همراه با حسابرسی با کیفیت بالا بستگی دارد. هزینه ها ممکن است شامل افزایش حسابرسی بیشتر، اختیار محدودتر نسبت به شناخت معاملات درون گروهی و از بین بردن فعالیت های غیراخلاقی باشد، در حالی که مزایا ممکن است شامل ارزیابی های بالاتر و تأمین مالی متعادل تر باشد. بر خلاف انگیزه های گزارش مالی متضاد، یک مسئله تجربی باقی می ماند که آیا شرکت های گروهی پس از بررسی سود و زیان عملیاتی، حسابرسان با کیفیت بالا را ترجیح می دهند یا خیر؟ این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سوال اساسی است که آیا بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور رابطه وجود دارد؟

انجام این تحقیق از چند جنبه حائز اهمیت است. نخست، تحقیقات پیشین (فانگ و همکاران^۴، ۲۰۱۷) مستند نموده اند که شرکت های گروهی تقاضای بیشتر برای استفاده از حسابرسان برتر دارند و این امر نشان می دهد که شرکت های گروهی،

¹ Jian and Wong

² Firth, et al.

³ Gul, et al.

⁴ Fang, et al.

مشتاق به کاهش نامتقارنی اطلاعات برای کاهش نگرانی های سرمایه گذاران نسبت به فعالیت های انحصاری عوامل درون گروهی هستند. دوم، محققان نشان داده اند که شرکت های گروهی، زمانی که سهامداران کنترل دارای سهام غالب هستند و در غیاب نظارت داخلی سخت، بیشتر احتمال دارد که حسابرسان برتر را انتخاب کنند. این شواهد با این شهود که حضور حسابرسان با کیفیت بالا برای مقابله با انحراف زمانی که هزینه های نمایندگی بالقوه بالاتر است، ارزشمندتر می شود، مطابقت دارد. سوم، بعد از جداسازی شرکت های گروهی، می توان دریافت که انتصاب حسابرسان برتر کیفیت حسابداری و شفافیت را بر اساس ارزش مطلق تعهدات اختیاری، میزان برآورد مجدد و افشای شرایط قیمت گذاری فروش طرفین مرتبط را بهبود می بخشد. چهارم، همچنین نشان داده شده است شرکت های گروهی هزینه ها و منافع ناشی از انتخاب حسابرس را در نظر می گیرند. به طور مشخص، محققان دریافته اند که مشتریان حسابرسان مشهور از سرمایه گذاری ارزان تر و ارزیابی بالاتری از فروش گروهی بهره می جویند، گرچه هزینه های حسابرسی بالاتری را پرداخت نموده و دامنه ی کمتری برای رسیدن به اهداف سود از طریق فروش گروهی دارند و عوامل درون گروهی در این شرکت ها با چانه زنی از طریق وام های مربوطه محدودتر هستند. در نهایت، شواهدی ارائه خواهد شد که نشان دهد استفاده از حسابرسان مشهور در تمام شرکت ها در یک گروه، کیفیت گزارش دهی را افزایش خواهد داد. محققان مدتها حیران هستند که چرا سرمایه گذاران در گروه های تجاری بیشتر سرمایه گذاری می کنند، با این وجود که این امر باعث می شود آنها نسبت به سلب مالکیت آسیب پذیر شوند (خانا و یافه^۱، ۲۰۰۷). یک توضیح قابل قبول این است که عوامل درون گروهی در گروه های تجاری، خواهان شفافیت و رفتار منصفانه با سرمایه گذاران اقلیت هستند (گومس^۲، ۲۰۰۷). با این حال، مطالعات قبلی به ندرت از مکانیزم های خاصی برای توسعه چنین شهرتی استفاده می کنند. این پژوهش این مسیر علمی را بر اساس شواهد بازار سرمایه گسترش داده تا نشان دهد که نظارت دقیق توسط حسابرسان مشهور یک مکانیزم موثر و گرانیقیمت برای ایجاد اعتبار توسط عوامل درون گروهی در گروه های تجاری است.

بسط فرضیه های تحقیق

در این بخش به طور خلاصه به پیشینه های موجود در زمینه متغیر وابسته تحقیق اشاره می شود و سپس ارائه مفاهیم نظری مرتبط با فرضیه ها ارائه می گردد.

گروه های تجاری یک فرم سازمانی فراگیر هستند که نشان دهنده سهم بزرگی از شرکت های فعال در اکثر اقتصادهای در حال ظهور می باشند (خانا و پالپو^۳، ۲۰۰۰). تجزیه و تحلیل داده ها از ۱۲ اقتصاد در حال ظهور گزارش می دهد که تعداد شرکت های وابسته به گروه به عنوان کسری از شرکت های فهرست شده در کل از ۲۲ درصد در شیلی به ۶۵ درصد در اندونزی متغیر می باشد. به همین ترتیب، برای نه بازار آسیایی، میزان بازدهی گروه تجاری از ۳۷ درصد در تایلند به ۷۸ درصد در ژاپن می رسد. با بازتاب دادن اهمیت آنها و ویژگی های منحصر به فرد شرکت های سازمانی، گروه های تجاری موضوع تحقیق گسترده ای بوده اند (کلاسنس و یورتوگلو^۴، ۲۰۱۳). مطالعات پیشین معتقدند که شرکت ها برای تشکیل یک گروه تجاری که بازار سرمایه و بازار کار در آن توسعه نیافته است، با یکدیگر همکاری می کنند (خانا و پالپو، ۲۰۰۰). در نتیجه، ادغام

¹ Khanna and Yafeh

² Gomes

³ Khanna and Palepu

⁴ Claessens and Yurtoglu

گروه به شرکت های گروهی اجازه می دهد تا دسترسی آسان به سرمایه داخلی، تکنولوژی، منابع و حتی بازارهای شرکت های مستقل داشته باشند (شین و پارک^۱، ۱۹۹۹). علاوه بر این، از طریق سهام گسترده متضاد، تضمین بدهی های متقابل و معاملات بین المللی، گروه های تجاری، ریسک را در میان سازمان های گروهی توزیع می کند (هی و همکاران^۲، ۲۰۱۳). با این حال، این کانال ها عمدتاً مسئول اقدامات گروه های تجاری می باشند. به طور خاص، ساختار گروهی پیچیده و معاملات درون گروهی فراگیر، عدم تقارن اطلاعات را بدتر می کند و فرصت هایی را برای انحراف منابع مالی شرکت و مدیریت درآمد توسط سهامداران کنترل ایجاد می کند (فیسمن و وانگ، ۲۰۱۰). وابستگی گروهی مسئول درگیری های نمایندگی است که بالاتر از آن چیزی است که از ویژگی های مالکیت حاصل می شود و نظارت بیرونی را تضعیف می کند (بیک و همکاران^۳، ۲۰۰۶). برای مثال، عوامل درون گروهی ممکن است از اختلاف بین حقوق نقدی خود در شرکت های مختلف در یک گروه از طریق معامله با اشخاص وابسته گروهی استفاده کنند که به شرکت ها سود می رساند. کلیه این فعالیت ها توسط سهامداران کنترل شامل تعدادی به سهامداران اقلیت در محیط منحصر به فرد یک گروه تجاری است، اگر چه هیچکدام از آنها نیازی به حضور رابطه کنترل - مالکیت ندارند. در قیمت گذاری آسیب پذیری نسبت به سهام سهامداران کنترل، سرمایه گذاران اقلیت در شرکت های گروهی، به عنوان مثال، بر سرمایه گذاری گران تری اصرار دارند. بر این اساس، لینس و سروانس^۴ (۲۰۰۲) نزول قیمت قابل توجهی را برای شرکت های وابسته به گروه در بازارهای نوظهور مستند کرده اند. مطالعات دیگر نشان می دهد که نزول ارزش در حین بحران های مالی زمانی که انتظار می رود که سلب مالکیت شدت یابد، بزرگتر خواهد بود (بیک و همکاران^۵، ۲۰۰۴).

گروه های تجاری در بازارهای سرمایه زمانی ظهور کردند که سیاست گذاران این شرکت ها را تشویق کردند تا اتحادها را برای بهبود عملکردشان تشویق کنند (کیستر^۶، ۱۹۸۸). بسیاری از شرکت های خصوصی بعدها به عنوان گروه های تجاری وارد بازار شدند. یک گروه تجاری معمولی متشکل از یک شرکت اصلی (یعنی کنترل کننده) و چندین شرکت پذیرفته شده هستند (به عنوان مثال شرکت های وابسته). مناقشات سازمانی گسترده و مدیریت درآمد چشمگیری در گروه های تجاری دیده می شود. جیان و یانگ (۲۰۱۰) دریافته اند که برای رسیدن به اهداف درآمد، شرکت های وابسته، به فروش غیرمعمول به شرکت های مادر برای فروش درآمد خود روی می آورند. شولین و همکاران^۷ (۲۰۱۲) دریافته اند که شرکت های وابسته به منابع غیرملموس و شرکت هایی با آستانه عملکرد برآورد شده، آستانه درآمد در گروه را به منظور کاهش بار مالیاتی خود تغییر می دهند.

در تجزیه و تحلیل گروه های تجاری، فیسمن و وانگ (۲۰۱۰) و جیا و همکاران^۸ (۲۰۱۳) گزارش می دهند که کنترل کننده ها به شرکت های پذیرفته شده کمک می کنند تا اهداف سود را با پرداخت حق بیمه بالاتری بدست آورند. در عوض، شرکت ها، زمانی که از کنترل کننده ها از محدودیت های مالی رنج می برد، وام هایی با بهره کم را در اختیار آن ها قرار می دهند. با توجه به این که سرمایه گذاران خارجی به طور منطقی ارزش شرکت های گروهی را بر اساس پیش بینی های سلب مالکیت،

¹ Shin and Park

² He, et al.

³ Baek et al.

⁴ Lins and Servaes

⁵ Baek et al.

⁶ Keister

⁷ Shevlin, et al.

⁸ Jia, et al.

دست کم برآورد می کنند، لذا سهامداران کنترل انگیزه ای برای پذیرش نظارت خارجی برای متعهد کردن به عدم هدایت منابع شرکت بر اساس هزینه سرمایه گذاران کوچکتر دارند. انتصاب حسابرس با کیفیت بالا برای ایجاد یک شهرت جهت شفافیت و رفتار صحیح سهامداران اقلیت سازنده خواهد بود (خانا و یافه، ۲۰۰۷). این پژوهش تحقیقات پیشین در مورد شرکت های گروهی را با بررسی انتخاب حسابرس و پیامدهای آن براساس نتایج اقتصادی مختلف توسعه می دهد.

انتخاب حسابرس در شرکت های وابسته به گروه

به موجب یک سنت و طراحی، تمام گروه های تجاری دارای سهامدار کنترل هستند. علاوه بر این، از آنجا که سهام در دست سهامدار کنترل کننده و دیگر سهام سهامداران هیچگونه همگرایی ندارند، دیگر سهامداران شرکت تلاش می کنند که سهام سهامدار را در برابر تجمع مزایای خصوصی قرار دهند (فیرس و همکاران، ۲۰۰۷). بر این اساس، انتظار می رود شاهد آن باشیم که سهامداران کنترل، تأثیر قابل توجهی بر تصمیم یک شرکت پیرامون انتصاب حسابرس خارجی داشته باشد. به طور طبیعی، شرکت های گروه تجاری، هزینه ها و منافع ناشی از انتخاب حسابرس را در نظر می گیرند. در یک جهت، حسابرسان با کیفیت بالا نه تنها هزینه های قابل ملاحظه ای را از نظر هزینه های حسابرسی بالاتر تحمیل می کنند (سایمونیک^۱، ۱۹۸۰)، بلکه همچنین هزینه های نامحدودی برای سهامداران کنترل با محدود کردن آنها در راستای استفاده از اختیار خود در مورد سیاست های حسابداری اعمال می کنند (گادهامی و همکاران^۲، ۲۰۰۹). به عنوان مثال، حسابرسان با کیفیت بالا در چین احتمال بیشتری دارند که نظرات اصلاحی حسابرسی را به شرکت هایی که از روش های حسابداری مشکوک استفاده می کنند، کمتر در معرض نفوذ سیاسی هستند، و یا از ارتباطات سیاسی بهره برداری می کنند و جریان اعتبار اطلاعات خاص شرکت را در بازار سهام تسهیل می کنند منتشر سازند (یانگ^۳، ۲۰۱۳). در گروه تجاری، مشارکت یک حسابرس با کیفیت بالا برای کنترل سهامداران با محدود کردن اختیار آنها در حسابداری برای معاملات درون گروهی پرهزینه است که به نوبه خود، دامنه منابع سرمایه گذاری را محدود و سبب افزایش هزینه های حسابرسی می شود.

در جهت دیگر، با توجه به این که شفافیت حسابداری در حضور یک حسابرس با کیفیت بالا بهبود می یابد، مشتریان آن باید در قالب هایی مانند جذب ارزش گذاری های بالاتر (گادهامی و همکاران^۴، ۲۰۱۴) و قیمت گذاری ارزان قیمت (ایگول و همکاران^۵، ۲۰۱۵) سود ببرند. تحقیقات پیشین نشان می دهد که در بازارهای نوظهور با نهادهای محافظه کار سرمایه گذاری نسبتاً ضعیف، حسابرسان با کیفیت بالا به عنوان یکی دیگر از حوزه های حکومتی عمل می کنند که تضادهای آژانس را کاهش می دهد. به عنوان مثال، فان و وانگ^۶ (۲۰۰۵) ارزش های بازار بالاتری برای مشتریان با حسابرسان مشهور در شرق آسیا را زمانی که سهام بزرگترین سهامدار غالب است گزارش می دهد. اینکه آیا شرکت های گروهی احتمالاً حسابرسان با کیفیت بالایی را نسبت به شرکت های مستقل به کار می گیرند یا خیر، یک مسئله تجربی است که به قضیه بستگی دارد که آیا مزایای بدست آمده (یعنی نتایج مثبت اقتصادی: ارزیابی بالاتر و سرمایه گذاری ارزان تر) از هزینه ها بیشتر است یا خیر؟

¹ Simunic

² Guedhami, et al.

³ Yang

⁴ Guedhami et al

⁵ El Ghoul, et al.

⁶ Fan and Wong

هزینه های حسابرسی بالاتر و اختیار حسابداری محدود). در تعریف اولین فرضیه، پیش بینی بر آن است که شرکت های وابسته به گروه های تجاری تقاضای بیشتری برای حسابرسان با کیفیت بالا ارائه می دهند، بنابراین داریم: فرضیه اصلی: بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور رابطه معنی داری وجود دارد.

نقش ویژگی های مالکیت در شکل دادن انتخاب حسابرسان در گروه های تجاری

تا آنجا که پویایی سود و زیان، انتخاب حسابرسان گروهی را توضیح می دهد، انتظار بر آن است که تعلق به یک گروه تجاری زمانی که درگیری بین شرکت های داخلی و سرمایه گذاران خارجی بدتر می شود، تأثیر بیشتری بر این تصمیم داشته باشد. در بررسی ها، چندین موقعیت شناسایی شده است که در آن مشکلات سازمانی به دلیل ویژگی های مالکیت شرکت ها به طور سیستماتیک برای شرکت های گروه تجاری در چین متفاوت است. در بررسی نقشی که ویژگی های مالکیت ایفا می کند، انتظار بر آن است که مشکلات نمایندگی با سرمایه گذاران خارجی در حضور یک سهامدار کنترل کننده بدتر شود (گادهامی و همکاران، ۲۰۱۴). علاوه بر این، تحقیقات پیشین نشان می دهد که کنترل انگیزه های سهامداران برای رفع منابع مالی شرکت ها با افزایش هزینه بین کنترل و حقوق نقدی جریان آن ها افزایش می یابد (فان و وانگ، ۲۰۰۵). به این ترتیب سهامداران شرکت های گروهی ترجیح می دهند حسابرسان با کیفیت بالا را برای رفع نگرانی سرمایه گذاران اقلیت که از موقعیت غالب خود برای استخراج مزایای خصوصی استفاده می کنند، تعیین کنند. همچنین انتظار بر این است مشاهده شود که شرکت هایی با یک سهامدار عمده، که از مناقشات نمایندگی در برابر سرمایه گذاران اقلیت زیان بیشتری متحمل می شود، تقاضای بیشتری برای نظارت بر نظارت خارجی را نشان دهند. به گفته پاگانو و روئل^۱ (۱۹۹۸)، شرکت هایی با سهامداران متعدد - که بر ظرفیت و انگیزه خود نظارت دقیقی دارند - انحراف منابع شرکت را محدود می سازند. در مقابل، یک سهامدار غالب واحد می تواند سیاست هایی را ایجاد کند که آنها را قادر به جمع آوری مزایای خصوصی بدون رضایت دیگر سهامداران بزرگ سازد. با حمایت از این نظریه ها در مورد نقش ارزشمند حاکمیت سهامداران چندگانه، فاسیو و همکاران^۲ (۲۰۰۱) نرخ سود سهام بالاتری را در شرکت هایی با چندین سهامدار بزرگ مشاهده کرده اند که آن را به تأثیر نظارت متقابل نسبت می دهند. به طور مشابه، ارزیابی و قیمت گذاری سهام نشان می دهد که توزیع ناهمگونی پول نقد در میان سهامداران بزرگ، سبب می شود که سرمایه گذاران کوچکتر بیشتر در خطر سلب مالکیت قرار گیرند. بر این اساس، پیش بینی بر آن است که شرکت هایی بدون نظارت داخلی فعال توسط سهامداران بزرگ متعدد، بیشتر بر حضور حسابرسان مشهور برای حمایت از منافع سرمایه گذاران خارجی تأکید دارند. پیش بینی دوم نشان می دهد که گوناگونی مقطعی در انگیزه های خودی برای کاهش نامتقارن اطلاعات، با بهبود شفافیت حسابداری، انتخاب حسابرس در شرکت های گروهی را شکل می بخشد. بنابراین فرضیه زیر را داریم: فرضیه ۱: تمرکز مالکیت در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور تأثیر معنی داری دارد.

نقش کیفیت گزارشگری مالی در شکل دادن انتخاب حسابرسان در گروه های تجاری

با ارزیابی اهمیت انتخاب حسابرس به کیفیت گزارشگری مالی، به بررسی این امر پرداخته خواهد شد که چه چیزی باعث انگیزه دادن به شرکت های گروهی برای تبدیل شدن مشتری حسابرسان برتر می شود. با توجه به این که بهره برداری از

¹ Pagano and Roell

² Faccio, et al.

ساختار شرکت های گروهی برای به دست آوردن مزایای خصوصی مستلزم تداوم فعالیت می باشد، بیانیه های مالی قابل اعتماد از سرمایه گذاران اقلیت با کاهش نامتقارنی اطلاعات محافظت می کند، بدین معنی که تخصیص منابع داخلی شرکت به عوامل درون گروهی، به ضرر سرمایه گذاران خارجی، بیانیه های مالی را تحت تاثیر قرار می دهد (گادهامی و همکاران، ۲۰۰۹) و این امر باعث می شود که به معامله با اشخاص وابسته روی آورند (یک ابزار مهم برای مدیریت درآمد و چانه زنی توسط گروه عوامل درونی). در مقابل، شرکت های گروهی مشتاق بهبود شفافیت حسابداری با دخالت حسابرس با کیفیت بالا هستند، چرا که مدیریت سود کمتر و افشای بهتری در پی خواهد داشت. از این رو، داریم:

فرضیه ۲: کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور تاثیر معنی داری دارد.

پیشینه تحقیق

فانگ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی بررسی نمودند که کدامیک از دو انگیزه گزارش مالی متضاد که شرکت های وابسته به گروه تجربه می کنند، شفافیت حسابداری شان را در انتخاب حسابرس شکل می بخشد. در یک جهت، ساختار گروه پیچیده و معاملات درون گروهی، سهامداران را قادر می سازد تا به انجام فعالیت های غیراخلاقی که بعدا با انحراف درآمد گزارش شده پنهان می شوند، پردازند. در جهت دیگر، سرمایه گذاران خارجی از قیمت در برابر سلب مالکیت بالقوه محافظت می کنند، و سهامداران کنترل ممکن است مشتاق بهبود کیفیت گزارشگری مالی برای کاهش هزینه های نمایندگی باشند. برای روشن نمودن این که آیا وابستگی گروهی بر انگیزه های کارکنان شرکت ها برای رفع نگرانی سهامداران اقلیت در مورد هزینه های نمایندگی تاثیر می گذارد یا خیر؟ این محققین انتخاب حسابرس شرکت های گروهی را نسبت به شرکت های مستقل مورد بررسی قرار دادند. در مقایسه با شرکت های مستقل، شواهد نشان می دهد که شرکت های گروهی بیشتر احتمال دارد که یکی از ۱۰ شرکت حسابرسی برتر را در چین تعیین کنند، به ویژه هنگامی که سهامداران کنترل آنها انگیزه قویتری برای بهبود نظارت خارجی گزارشگری مالی دارند. پس از جداسازی شرکت های گروهی، متوجه می شویم که وجود یک حسابرس برتر به افزایش درآمد و کیفیت افشا، پیامدهای ارزیابی بالاتر برای معاملات مربوطه و همچنین تأمین هزینه های متعارف منجر شده است، به این معنی است که این شرکت ها از مشارکت یک حسابرس با کیفیت بالا بهره مند شوند.

هیلدورا و همکاران^۱ (۲۰۱۶) به تحقیقی با عنوان «تغییر حسابرس، موردی در پرتقال» پرداختند. در این تحقیق مشکلات در مورد تغییر حسابرس به عنوان یک موضوع مهم نشان داده شده است. هدف از این مطالعه بررسی آن است که تا چه حد تغییر حسابرس مربوط به نوع نظر است که حسابرس در گزارش حسابرسی بیان شده است. در راه رسیدن به این هدف، مطالعه تجربی در نمونه از بازار سهام پرتغالی در دوره بین سال های ۲۰۰۶ ای ۲۰۱۲ (هفت سال) و با استفاده از رگرسیون لجستیک انجام شد. نتایج نشان داد رابطه مثبت و معنادار بین گزارش حسابرسی مقبول و تغییر حسابرس وجود دارد.

چن^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی در چین دریافتند که با ادغام یک موسسه حسابرسی چینی با یکی از موسسات بزرگ حسابرسی (موسسه ارنست و یانگ) در سال ۲۰۰۲، از ۴۶ صاحبکار این موسسه حسابرسی چینی، ۳۰ صاحبکار، حسابرس خود را تغییر دادند و موسسات حسابرسی کوچک را به عنوان حسابرس خود انتخاب کردند. آن ها در پژوهش خود نشان دادند که انگیزه ۳۰ شرکت از تغییر حسابرس، دریافت گزارش حسابرسی مقبول در مقابل کیفیت پایین حسابرسی بوده است. براساس نتیجه این پژوهش، رقابت در حسابرسی، موجب کاهش کیفیت حسابرسی می شود.

¹ Heliodoroa, et al.

² Chen

لین و لیو^۱ (۲۰۰۹) در بررسی رابطه بین تغییر حسابرِس و نظام راهبری شرکتی در کشور چین دریافته‌اند، شرکت‌هایی که ارکان و مکانیزم‌های نظام راهبری در آن‌ها ضعیف‌تر است، بیشتر به دنبال موسسات حسابرِس کوچک بوده و برای این منظور حسابرِس خود را تغییر می‌دهند. آن‌ها در نتیجه‌گیری تحقیق خود عنوان می‌نمایند که استقرار نظام راهبری کارآمد، می‌تواند موجب کاهش تغییر حسابرِس و در نتیجه باعث افزایش کیفیت حسابرِس شود.

چنا و همکاران^۲ (۲۰۰۹) طی پژوهشی از شرکت‌های تایوانی دریافته‌اند که تغییر حسابرِس با صدور گزارش حسابرِس مقبول رابطه‌ای مستقیم دارد. آن‌ها نشان دادند مدیران به منظور مطلوب نشان دادن عملکرد شرکت، حسابرِس خود را تغییر می‌دهند تا به واسطه این تغییر، گزارش حسابرِس مقبول دریافت و به این روش، عملکرد شرکت را مطلوب جلوه دهند. در این پژوهش نشان داده شد که در بررسی سال‌های بعد، احتمال ورشکستگی این گونه شرکت‌ها بیشتر بوده است.

کمران و همکاران^۳ (۲۰۰۸) در تحقیقی، رابطه مدیریت سود و تغییر حسابرِس را با این سوال که آیا الزام تغییر حسابرِس باعث ارتقای کیفیت حسابرِس می‌شود، بررسی نمودند. در این تحقیق تأثیر دوره تصدی در کیفیت حسابرِس در کشور ایتالیا، که بیش از ۲۰ سال از قوانین تغییر حسابرِس آن می‌گذرد در محیطی که الزام به تغییر حسابرِس است بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۴ بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در وضعیت داوطلبانه بودن تغییر حسابرِس، تغییر باعث افزایش کیفیت حسابرِس می‌شود و تا زمانی که تغییر حسابرِس اجباری است، کاهش کیفیت حسابرِس را به دنبال دارد. هدیب و کوک^۴ (۲۰۰۵) در بررسی اثر تغییر مدیریت بر نوع اظهار نظر حسابرِس و تغییر حسابرِس در انگلستان دریافته‌اند که شرکت‌هایی که عملکرد نامناسب و تغییر مدیریت داشته‌اند، بیشتر از سایر شرکت‌ها، گزارش مشروط دریافت کرده‌اند و این موضوع عامل تغییر حسابرِس در آن شرکت‌ها است.

مایرز و همکاران^۵ (۲۰۰۳) تحقیقی با عنوان الزام تغییر اجباری حسابرِس، شواهدی درباره ارائه مجدد صورت‌های مالی انجام دادند. در این تحقیق محققان به عوامل الزام ارائه مجدد صورت‌های مالی و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی پرداخته‌اند. برای این کار به تجزیه و تحلیل اطلاعات ۵۶۲ شرکت دولتی پرداخته شده است که بین ژوئن و اکتبر ۲۰۰۱ صورت‌های مالی خود را مجدد ارائه نموده بودند. این تحقیق با مقایسه شرکت‌های یاد شده به این نتیجه رسید که شرکت‌های دارای دوره تصدی حسابرِس طولانی‌تر، علاقه به تنظیم و ارائه مجدد صورت‌های مالی ندارند. هم‌چنین در برخی از نمونه‌ها ارتباطی بین دوره تصدی حسابرِس با احتمال ارائه مجدد صورت‌های مالی مشاهده نشد. از سوی دیگر، طبق این مطالعه افزایش دوره تصدی بیش از سه سال در شرکت‌های نمونه باعث انحراف صاحبکار از استانداردهای حسابداری برای گزارشگری فعالیت‌های تجاری شده است.

ابوت و پارکر^۶ (۱۹۹۹) تغییر حسابرِس مستقل را بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفتند که وجود کارگروه حسابرِس فعال و مستقل در شرکت‌ها با افزایش کیفیت حسابرِس ارتباط نزدیک دارد. نتایج تحقیق آن‌ها با نظریه کارگزاری (نمایندگی) تطبیق دارد و بیانگر آن است که وجود قوانین به محدود شدن حیطه عمل غیر مسئولانه مدیران می‌شود. لذا، وجود کارگروه حسابرِس

¹ Lin and Liu

² Chena, et al.

³ Cameran, et al.

⁴ Hudaib & Cooke

⁵ Myers, et al.

⁶ Abbott and Parker

باعث می شود که کیفیت حسابرسی از این حیث که حسابرس ممکن است تحت تأثیر تمایلات مدیریت قرار نگیرد، افزایش یابد.

اعتمادی لطفی (۱۳۹۵) هدف اصلی پژوهش این محققین تجزیه و تحلیل ماهیت پیش بینی کنندگی متغیرهای درماندگی مالی به منظور پیش بینی تغییر حسابرس شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و ارائه مدلی کارا به منظور پیش بینی تغییر حسابرس شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار با استفاده از متغیرهای درماندگی مالی و با کمک تکنیک های داده کاوی می باشد. در این پژوهش به منظور دستیابی به اهداف تحقیق چهار فرضیه تدوین شده است به منظور آزمون فرضیه ها از روش های داده کاوی شبکه بیزین، درخت رگرسیون و دسته بندی و رگرسیون لجستیک استفاده شده است. یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معنی داری بین تغییر حسابرس و متغیرهای درماندگی مالی وجود دارد همچنین نتایج حاصل از روش های داده کاوی نشان می دهد که نرخ تشخیص بیش از ۸۹٪ و نرخ پیش بینی درست شرکت های دارای درماندگی مالی بیش از ۸۴٪ است. به طور کلی نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که متغیرهای درماندگی مالی حاصل از صورت های مالی حسابرسی شده دارای بار اطلاعاتی مناسبی برای پیش بینی تغییر حسابرس شرکت های فعال در بورس اوراق بهادار هستند و با استفاده از آنها و تکنیک های داده کاوی می توان مدل هایی با کارایی مناسب برای پیش بینی تغییر حسابرس شرکت ها ایجاد یا ارائه کرد.

اسحاق نیا (۱۳۹۴) به تحقیقی با عنوان «تأثیر تجدید آرائه های صورت های مالی بر تغییر حسابرس» پرداخت. برای این منظور از اطلاعات ۱۰۵ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۶ استفاده می شود. تعداد مشاهدات ۷۳۵ (سال - شرکت) است. برای آزمون فرضیه ها از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه ها نشان می دهد که تجدید آرائه های مالی باعث تغییر حسابرس نمی شود و هر چه شدت تجدید آرائه های مالی افزایش یابد، تغییر حسابرس در سال بعد از تجدید آرائه های مالی افزایش نمی یابد. در شرکت های تجدید آرائه کننده دارای حاکمیت شرکتی قوی، نیز تغییر حسابرس نسبت به سایر شرکت ها بیشتر اتفاق نمی افتد. همچنین در شرکت های تجدید آرائه کننده احتمال تغییر موسسات کوچک در مقایسه با موسسات بزرگ بیشتر نمی باشد و همچنین در شرکت های تجدید آرائه کننده همزمان با تغییر مدیرعامل، احتمال تغییر حسابرس نیز وجود ندارد. نتایج آزمون های اضافی با استفاده از رگرسیون لجستیک چندسطحی نیز نشان می دهد تعدیلات سنواتی ناشی از اصلاح اشتباه و تغییر در رویه و مبلغ تعدیلات سنواتی باعث تغییر حسابرس در سال بعد نمی شود.

خدای پور و احمدی نژاد (۱۳۹۳) به تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی بر تغییر حسابرس» پرداختند. در این پژوهش از چهار شاخص درجه ی تمرکز مالکیت، دوگانگی، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل، مالکیت نهادی و اهرم مالی برای اندازه گیری ساز و کار نظام راهبری شرکتی بر تغییر حسابرس استفاده شده است. داده های تحقیق از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۰ استخراج شده و برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از الگوی رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که بین درجه ی تمرکز مالکیت و تغییر حسابرس رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد. از طرف دیگر یافته ها حاکی از این است که دوگانگی نقش مدیرعامل تأثیر معناداری بر تغییر حسابرس ندارد. همچنین درخصوص رابطه ی اهرم مالی با تغییر حسابرس نیز رابطه ی معناداری یافت نشد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که بین مالکیت سهامداران نهادی و تغییر حسابرس رابطه ی معنادار و منفی وجود دارد.

همت فر و همکاران (۱۳۹۲) با توجه به تاثیری که حساب‌رسان در تقاضای خدمات حسابرسی دارند این پدیده را در سال‌های اخیر به زمینه‌ی مهمی در تحقیقات دانشگاهی و محافل حرفه‌ای تبدیل شده است. هدف اصلی این تحقیق بررسی این مسئله است که آیا تقاضای خدمات حسابرسی بر تغییر حساب‌رسان تاثیر می‌گذارد. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بین سال‌های ۹۰ و ۹۱ می‌باشد. این تحقیق که ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد و از نظر هدف یک پژوهش توصیفی-کاربردی است، هشت فرضیه تبیین شده که به بررسی تقاضای خدمات حسابرسی بر هر یک از ویژگی‌های کیفی تغییر حساب‌رسان یعنی حق‌الزحمه حسابرسی، نوع اظهار نظر حساب‌رسان، کیفیت حسابرسی، تغییر مدیریت، رشد شرکت، وضعیت مالی شرکت، اندازه‌ی شرکت و پیچیدگی واحد مورد رسیدگی پرداخته اند. برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از پرسش‌نامه با مقیاس لیکرت و برای ارزیابی فرضیه‌ها از نرم افزار اسپاساس و از آزمون آماری رگرسیون اینتر استفاده شده است. نتیجه‌ی حاصل از این پژوهش گویای تایید شدن هفت فرضیه‌ی فرعی و در نهایت تایید شدن فرضیه‌ی اصلی بود.

آقایی و جاری (۱۳۹۲) هدف این تحقیق تعیین عوامل مؤثر بر تغییر حساب‌رسان در بورس اوراق بهادار تهران است. به منظور بررسی تأثیر این عوامل به روی تغییر حساب‌رسان از مدل رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد از بین شش عامل مهم در نظر گرفته شده در این تحقیق تنها اندازه موسسه‌ی حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵٪ بر تغییر حساب‌رسان تأثیر مثبت دارد. همچنین، با توجه به عدم ارتباط بین دریافت اظهار نظر مشروط و تغییر حساب‌رسان مسئله اظهار نظر فروشی در بورس اوراق بهادار تهران تأیید نمی‌شود.

بنی مهد و فلاح میر عباسی (۱۳۸۹)، این تحقیق رابطه بین شاخص محافظه کاری حسابداری و تغییر حساب‌رسان طی یک دوره زمانی ۷ ساله از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ را مورد بررسی قرار می‌دهد. با استفاده از داده‌های ترکیبی از ۵۶ شرکت مشخص گردید که شاخص محافظه کاری حسابداری با تغییر حساب‌رسان رابطه معنی‌دار ندارد. همچنین با افزودن متغیرهایی مانند شاخص Z آلتمن، شاخص مدیریت سود و اندازه شرکت، مشخص شد که متغیرهای مذکور نیز هیچ رابطه معنی‌داری با تغییر حساب‌رسان در ایران ندارند و در واقع عوامل تاثیرگذار بر تغییر حساب‌رسان در ایران بیشتر عوامل غیر کمی و غیر حسابداری هستند. برای آزمون فرضیه‌ها نیز از دو روش آماری مختلف یعنی رگرسیون لجستیک و آزمون برابری میانگین استفاده شده است. هر دو آزمون نتایج یکسانی از آزمون فرضیه‌ها را نشان می‌دهند.

بنی مهد و اکبری (۱۳۸۹) این تحقیق رابطه بین متغیرهای شاخص ورشکستگی آلتمن و تغییر حساب‌رسان را طی یک دوره زمانی ۷ ساله از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار می‌دهد. با استفاده از داده‌های ترکیبی از ۵۶ شرکت مشخص گردید که هیچکدام از متغیرهای مذکور با تغییر حساب‌رسان رابطه معنی‌دار ندارند. اما با افزودن متغیرهای کیفی مانند صدور گزارش غیرمقبول در سال قبل از تغییر حساب‌رسان، تغییر مالکیت و همچنین متغیرهای کمی اندازه شرکت و نسبت اهرمی به عنوان متغیرهای کنترل کننده، نشان داده شد که عوامل تاثیرگذار بر تغییر حساب‌رسان در ایران، عوامل غیر کمی است. یافته‌های تحقیق دلالت بر این موضوع دارند که تغییر حساب‌رسان بیشتر تحت تأثیر عوامل غیر حسابداری از جمله عدم تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت، وجود سهامداران عمده در ترکیب سهامداران شرکت‌ها (پایین بودن سهام شناور شرکت‌ها)، وجود سهامداران حقوقی و شبه دولتی در ترکیب سهام شرکت‌ها، تصمیم‌گیری شرکت‌های هلدینگ برای شرکت‌های گروه می‌باشد.

روچی و ایمان زاده (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بیان می کنند پدیده تغییر حسابرسان در سال های اخیر به زمینه مهمی در تحقیقات دانشگاهی و محافل حرفه ای تبدیل شده است. در این مقاله برخی موارد به عنوان دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مطرح و مورد بررسی قرار می گردد. این تحقیق، تغییر حسابرسان را در حوزه شرکت های بورسی و از جنبه های گوناگون بررسی می نماید. بدین منظور شرکت های نمونه بصورت تصادفی ساده از بین شرکت های بورسی که تغییر حسابرسان داشته اند، انتخاب شده اند. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه ها دال بر وجود رابطه مثبت بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (تغییر حسابرسان مستقل) است.

رضازاده وزارعی مروج (۱۳۸۶)، هدف اصلی این مطالعه آزمون تجربی تاثیر عوامل شناخته شده در سطح دنیا بر تغییر حسابرسان در شرکت های ایرانی است. جامعه آماری تحقیق، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. نمونه مورد مطالعه شامل ۷۴ شرکت مشتمل بر دو گروه ۳۷ شرکت با تغییر حسابرسان و ۳۷ شرکت بدون تغییر حسابرسان است. اطلاعات جمع آوری شده درباره متغیرهای مرتبط با تغییر حسابرسان که در کشورهای مختلف شناسایی شده است با استفاده از روش رگرسیون لجستیک، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج آزمون فرضیه ها حاکی از آن است که حق الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرسان، تغییر ترکیب مدیران شرکت ها و اندازه شرکت بر تغییر حسابرسان، تأثیر مثبت و منفی دارد. همچنین رگرسیون لجستیک چند متغیره نشان می دهد عواملی مانند حق الزحمه حسابرسی، نوع اظهار نظر حسابرسان، تغییر ترکیب مدیران شرکت ها و اندازه شرکت می تواند در بنانهان الگویی برای پیش بینی تغییر حسابرسان شرکت ها، کاربرد داشته باشد.

ایمان زاده (۱۳۸۵) با موضوع بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس انجام شده است که بر اساس نتایج این تحقیق حق الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرسی، تغییر مدیران شرکت ها، اندازه شرکت ها و نرخ بازگشت سرمایه شرکت ها در سطح اطمینان ۹۵٪ بر تغییر حسابرسان از سوی شرکت ها مؤثر است.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ جمع آوری اطلاعات توصیفی و از نظر تجزیه و تحلیل اطلاعات از نوع همبستگی است. توصیفی به این دلیل که هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است و برای شناخت بیشتر شرایط موجود می باشد و همبستگی به دلیل اینکه در این پژوهش رابطه ی بین متغیرها مورد نظر است. پژوهش حاضر به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته و در پی اثبات وجود این رابطه در شرایط کنونی براساس داده های تاریخی می باشد؛ بنابراین می توان آن را از نوع علی-پس رویدادی طبقه بندی نمود. استفاده از داده های تاریخی به این دلیل است که فرض می شود روند گذشته ارتباطات بین متغیرها به شرایط فعلی تسری دارد. در این گونه پژوهش ها، پژوهشگر به بررسی علت و معلول (متغیر وابسته و متغیر مستقل) پس از وقوع می پردازد. در این پژوهش ها بین متغیرها یک رابطه ی آماری وجود دارد که هدف بررسی این رابطه می باشد.

مدل آزمون فرضیه های تحقیق

مدل رگرسیونی شماره (۱) جهت آزمون فرضیه اصلی برگرفته از پژوهش فانگ و همکاران (۲۰۱۷) عبارت است از :

$BIG_{it} = \alpha_0 + \beta_1 GROUP_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 LOSS_{it} + \beta_6 ISSUE_{it} + \beta_7 ATURN_{it} + \beta_8 GROWTH_{it} + \beta_9 CFO_{it} + \beta_{10} FOREING_{it} + \beta_{11} SOE_{it} + \beta_9 AGE_{it} + \beta_{10} MB_{it} + \beta_{11} CURR_{it} + \beta_{11} INVREC_{it} + Industry + \varepsilon_{it}$

جهت آزمون فرضیه اول تحقیق از معنی داری ضریب β_1 در سطح خطای پنج درصد استفاده می شود. اگر مقدار احتمال حاصل از ضریب β_1 کمتر از سطح خطای مورد نظر باشد می توان ادعا نمود بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور رابطه معنی داری وجود دارد.

مدل رگرسیونی شماره (۲) جهت آزمون فرضیه ۱ برگرفته از پژوهش فانگ و همکاران (۲۰۱۷) عبارت است از :

$BIG_{it} = \alpha_0 + \beta_1 GROUP_{it} + \beta_2 GROUP_{it} * OwnConc_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 ISSUE_{it} + \beta_8 ATURN_{it} + \beta_9 GROWTH_{it} + \beta_{10} CFO_{it} + \beta_{11} FOREING_{it} + \beta_{12} SOE_{it} + \beta_{13} AGE_{it} + \beta_{14} MB_{it} + \beta_{15} CURR_{it} + \beta_{16} INVREC_{it} + Industry + \varepsilon_{it}$

جهت آزمون فرضیه دوم تحقیق از معنی داری ضریب β_2 در سطح خطای پنج درصد استفاده می شود. اگر مقدار احتمال حاصل از ضریب β_2 کمتر از سطح خطای مورد نظر باشد می توان ادعا نمود تمرکز مالکیت در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور تاثیر معنی داری دارد.

مدل رگرسیونی شماره (۳) جهت آزمون فرضیه ۲ برگرفته از پژوهش فانگ و همکاران (۲۰۱۷) عبارت است از :

$BIG_{it} = \alpha_0 + \beta_1 GROUP_{it} + \beta_2 GROUP_{it} * FRQ_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 ISSUE_{it} + \beta_8 ATURN_{it} + \beta_9 GROWTH_{it} + \beta_{10} CFO_{it} + \beta_{11} FOREING_{it} + \beta_{12} SOE_{it} + \beta_{13} AGE_{it} + \beta_{14} MB_{it} + \beta_{15} CURR_{it} + \beta_{16} INVREC_{it} + Industry + \varepsilon_{it}$

جهت آزمون فرضیه سوم تحقیق از معنی داری ضریب β_2 در سطح خطای پنج درصد استفاده می شود. اگر مقدار احتمال حاصل از ضریب β_2 کمتر از سطح خطای مورد نظر باشد می توان ادعا نمود کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور تاثیر معنی داری دارد.

نحوه محاسبه و گردآوری داده ها در مدل

متغیر وابسته:

BIG (تغییر به حسابرس مشهور): یک متغیر مجازی است اگر حسابرس شرکت در سال جاری به یک حسابرس مشهور تغییر نموده باشد مقدار آن یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر در نظر گرفته می شود. در راستای حمایت از حقوق سرمایه گذاران و ساماندهی و توسعه بازار شفاف و منصفانه اوراق بهادار و در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار (مصوب جلسه ۱۳۸۶/۰۵/۸ شورای عالی بورس و اوراق بهادار)، دستورالعملی در ۹ ماده و ۸ تبصره به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید است. مؤسسات حسابرسی با کیفیت (مشهور) که در طبقه شماره یک بر اساس تفکیک بورس اوراق بهادار قرار گرفته اند در این تحقیق بدان ها متغیر مجازی یک اختصاص داده خواهد شد و در غیر این صورت مقدار صفر در نظر گرفته می شود.

متغیر مستقل:

GROUP (عضو گروه تجاری): یک متغیر مجازی است اگر شرکت i در سال t عضو گروه تجاری (دارای واحد فرعی یا تابعه) باشد مقدار آن یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر در نظر گرفته می شود.

¹ Business Group

متغیرهای تعدیل کننده:

OwnConc (تمرکز مالکیت): عبارت است از نسبت مالکیت سهام دارانی که بیش از پنج درصد سهام شرکت را در اختیار دارند.

FRQ^۱: در این پژوهش شاخص مورد استفاده برای نشان دادن کیفیت گزارشگری مالی در سال t، کیفیت اقلام تعهدی می باشد. بنابراین، قدر مطلق باقی مانده ی اقلام تعهدی به عنوان معیار کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است. هرچه قدر مطلق باقی مانده ی اقلام تعهدی بیشتر از حد میانه ی آن باشد، کیفیت اقلام تعهدی پایین تر است. به عبارت دیگر، بالا بودن قدر مطلق باقی مانده ی اقلام تعهدی حاکی از پایین بودن کیفیت در گزارشگری مالی است. در پژوهش دیچو و همکاران^۲ (۱۹۹۵) محاسبه ی اقلام تعهدی اختیاری به شرح زیر می باشد:

$$DA_{it} = TA_{it} - NDA_{it}$$

که در آن:

^۳ TA_{it} کل اقلام تعهدی

^۴ DA_{it} اقلام تعهدی اختیاری

^۵ NDA_{it} اقلام تعهدی غیراختیاری

وجه نقد حاصل از عملیات - سود خالص = اقلام تعهدی

برای محاسبه NDA برای هر شرکت، با استفاده از رابطه ی رگرسیونی زیر و بر مبنای مشاهدات دوره ی برآورد از اقلام تعهدی صورت می گیرد:

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_{it} \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_{1it} \left(\frac{\Delta Sales_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_{2it} \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$A_{i,t-1}$: مجموع دارایی های شرکت در سال قبل.

$\Delta Sales_{i,t}$: تغییر در فروش از سال t-1 تا سال t.

PPE_{it} : ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات در سال t.

$\alpha_{i,t}$ و β_{jit} : پارامترهای خاص شرکت i در سال t.

بعد از محاسبه ی پارامترهای خاص شرکت و اقلام تعهدی غیراختیاری در دوره ی برآورد، معادله اقلام تعهدی اختیاری برای هر شرکت به شرح زیر خواهد بود:

$$FRQ_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - \left[\alpha_{it} \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_{1it} \left(\frac{\Delta Sales_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_{2it} \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \right] + \varepsilon_{i,t}$$

قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری شاخصی معکوس برای کیفیت گزارشگری مالی می باشد.

$$FRQ_{it} = |\varepsilon_{it}|$$
$$EQ_{it} = |FRQ_{it}|$$

¹ Financial Reporting Quality

² Dechow and et al

³ Total Accruals

⁴ Discretionary Accruals

⁵ Non- Discretionary Accruals

به عبارتی مقادیر بزرگتر از حد میانه‌ی قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری نشان‌دهنده‌ی کیفیت گزارشگری مالی ضعیف‌تر خواهد بود و بالعکس.

متغیرهای کنترلی

SIZE: اندازه شرکت عبارت است از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت i در سال t ؛

LEV_{it}: اهرم مالی عبارت است از کل بدهی سال مالی t شرکت i تقسیم بر جمع دارایی‌های سال مالی t .

ROA_{it}: بازده دارایی‌ها عبارت است از سود قبل از اقلام غیرمتربقه سال مالی t شرکت i تقسیم بر جمع ارزش دفتری دارایی‌های سال مالی t

LOSS_{it}: زیانده بودن عبارت است از یک متغیر مجازی اگر در سال مالی t شرکت i زیانده باشد مقدار یک در غیر این صورت مقدار آن صفر است.

ISSUE: انتشار پیش بینی سود هر سهم یک متغیر مجازی است و چنانچه پیش بینی دوره $t+1$ در دوره t باشد منتشر شده باشد؛ مقدار این متغیر یک و در غیر این صورت، صفر است.

ATURN: عبارت است از نسبت فروش به ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت i در سال t ؛

GROWTH: رشد فروش شرکت نسبت به سال قبل.

CFO: نسبت جریان وجه نقد عملیاتی به ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت i در سال t ؛

FOREING: فروش صادراتی عبارت است از یک متغیر مجازی اگر در سال مالی t شرکت i فروش صادراتی داشته باشد مقدار یک در غیر این صورت مقدار آن صفر است.

SOE: مالکیت دولتی عبارت است از یک متغیر مجازی اگر در سال مالی t شرکت i دارای سهامدار دولت داشته باشد مقدار یک در غیر این صورت مقدار آن صفر است.

Age: سن شرکت (تفاوت سال جاری و تاریخ تاسیس شرکت می باشد)

MB: لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت i در سال t ؛ که جهت محاسبه ارزش بازار سهام شرکت از حاصل ضرب تعداد سهام در دست سهامداران و قیمت پایانی هر سهم شرکت i در سال t استفاده خواهد شد.

CURR: نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری شرکت i در سال t .

INVREC: نسبت حاصل جمع حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا به ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت i در سال t ؛

INDUSTRY: نماد صنایع مورد مطالعه در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. جهت کنترل این متغیر و با توجه پراکندگی صنایع بورس اوراق بهادار با بهره‌گیری از دسته‌بندی‌های ارائه شده در مقالات علمی داخل در این تحقیق از چارچوب دسته‌بندی پژوهش شعری و حمیدی (۱۳۹۱) بهره گرفته خواهد شد. این محققین در پژوهش خود صنایع بورس اوراق بهادار تهران را در هفت گروه کلی قرار دادند که این رویکرد می‌تواند از تعدد متغیرهای کنترلی صنعت کاسته و یک دیدگاه کلی‌تر را در نتیجه‌گیری ارائه نماید. جهت این متغیر از شاخص مجازی صفر و یک جهت کنترل صنایع بهره‌گرفته خواهد شد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه‌ی مورد نظر در این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره‌ی زمانی در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ در نظر گرفته شده است همچنین جهت برخی از محاسبات سال ۱۳۸۷ به عنوان سال قبل در نظر گرفته شده است لذا بازه زمانی گردآوری داده ۱۰ سال می باشد و تعداد اعضای این جامعه ۵۱۶ شرکت می‌باشد. علت انتخاب شرکت‌ها از بازار سرمایه‌ی ایران (بورس اوراق بهادار) آن است که امکان دسترسی آسان به داده‌ها و صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نسبت به سایر شرکت‌های فعال در سطح کشور وجود دارد و هم‌چنین با توجه به نظارت مستمر حساب‌رسان و بازرسان، این اطلاعات قابلیت اتکاء، اعتبار و شفافیت بالایی را در مقایسه با اطلاعات سایر شرکت‌ها دارا است. روش نمونه‌گیری روش غربالگری می‌باشد و از بین شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تعداد ۱۶۳ شرکت به عنوان شرکت‌های عضو نمونه انتخاب شدند. به دلیل گستردگی حجم جامعه‌ی آماری و وجود برخی ناهماهنگی‌ها بین اعضای جامعه، شرکت‌هایی که در دامنه‌ی زمانی سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ و دارای ویژگی‌های زیر هستند به عنوان جامعه‌ی در دسترس در نظر گرفته شده است:

- جزء شرکت‌های مالی، سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه و صندوق‌ها نباشد.
 - جزء شرکت‌های غیرتولیدی (حمل و نقل، بازرگانی، خدماتی و غیره) نباشد.
 - طی سال‌های مورد مطالعه‌ی پژوهش ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۶، به بورس ورود پیدا ننموده باشد.
 - اطلاعات مالی مورد نیاز، به خصوص یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی در دسترس باشد.
 - در دوره پژوهش از نماد معامله آن‌ها از تابلوی بورس خارج نشده باشد.
 - تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداشته باشند.
- با توجه به اطلاعات گردآوری شده در انتهای سال ۱۳۹۶ بر اساس جدول ۱ صفحه بعد نمونه‌ی نهایی حاصل شد.

جدول ۱: تعداد شرکت‌های جامعه‌ی آماری و اعمال شرایط جهت انتخاب نمونه

تعداد کل شرکت‌ها	شرکت‌های حذف شده در مجموع دوره‌ها	شرح
۵۱۶		جامعه‌ی آماری
	(۱۱۱)	واسطه‌گری مالی
	(۶)	تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت
	(۵۷)	فاقد اطلاعات در برخی سال‌ها
	(۲۰)	طی دوره‌ی پژوهش از بورس خارج شده باشند
	(۸۱)	طی دوره‌ی پژوهش به بورس ورود پیدا نموده اند
	(۷۸)	شرکت‌هایی غیرتولیدی که در صنایع انتخابی قرار نمی‌گرفتند
۱۶۳		تعداد شرکت‌های نمونه‌ی نهایی

یافته های تحقیق

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در تحقیق در جدول (۲) ارائه گردیده است.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

نماد	نام	مقیاس	میانگین	میانه	کمترین	بیشترین	انحراف	چولگی	کشیدگی
BIG	حسابرس مشهور	مجازی	۰/۲۱۸	۰	۰	۱	۰/۴۱۳	۱/۳۶۶	-۰/۱۳۳
GROUP	گروه تجاری	مجازی	۰/۳۶۵	۰	۰	۱	۰/۴۸۱	۰/۵۵۹	-۱/۶۸۹
OwnConc	تمرکز مالکیت	درصد	۶۹/۶۰۵	۷۶/۶۳	۰	۱۰۰	۲۳/۷۲۴	-۱/۵۱۹	۱/۷۴۸
FRQ	کیفیت گزارشگری مالی	باقی مانده مدل	۰/۷۱۰	۰/۵۳۰	۰/۰۰۰۱	۶/۹۴۶	۰/۶۹۰	۲/۴۹۱	۱۱/۳۱۴
SIZE	اندازه شرکت	لگاریتم	۱۴/۰۰۱	۱۳/۸۸۰	۱۰/۱۰۳	۱۹/۳۷۴	۱/۴۵۵	۰/۸۰۹	۱/۳۷۲
LEV	اهرم مالی	نسبت	۰/۶۱۸	۰/۶۱۷	۰/۰۹۰	۴/۰۰۲	۰/۲۵۲	۳/۰۷۵	۲۸/۶۰۱
ROA	بازده دارایی	نسبت	۰/۱۳۲	۰/۱۱۵	-۱/۰۶۳	۱/۶۱۳	۰/۱۶۴	۰/۴۲۵	۷/۶۷۶
LOSS	زیانده بودن	مجازی	۰/۱۱۸	۰	۰	۱	۰/۳۲۳	۲/۴۶۱	۳/۵۸۱
ISSUE	سود بینی پیش انتشار	مجازی	۰/۸۹۹	۱	۰	۱	۰/۳۰۱	-۲/۶۵۳	۵/۰۴۵
ATURN	فروش	نسبت	۰/۹۳۶	۰/۷۹۲	۰/۰۴۸	۱۰/۲۲۳	۰/۶۲۰	۴/۶۱۵	۴۶/۴۲۳
GROWTH	رشد فروش	نسبت	۰/۲۰۸	۰/۱۳۹	-۰/۸۹۱	۲۶/۹۲۱	۰/۷۹۴	۲۶/۲۳۲	۸۷۳/۳۶۰
CFO	جریان وجه نقد عملیاتی	نسبت	۰/۱۳۴	۰/۱۱۳	-۰/۳۰۱	۱/۱۱۰	۰/۱۳۸	۰/۸۰۴	۲/۵۶۵
FOREING	فروش صادراتی	مجازی	۰/۷۰۶	۱	۰	۱	۰/۴۵۵	-۰/۹۰۹	-۱/۱۷۳
SOE	مالکیت دولتی	مجازی	۰/۱۴۷	۰	۰	۱	۰/۳۵۴	۱/۹۹۳	۱/۹۷۵
AGE	سن شرکت	لگاریتم	۳/۵۷۰	۳/۶۸۸	۲/۱۹۷	۴/۱۸۹	۰/۳۸۱	-۰/۷۰۹	-۰/۲۵۴
MB	ارزش بازار	لگاریتم	۱۳/۷۱۲	۱۳/۶۰۳	۹/۸۲۱	۱۹/۱۸۹	۱/۵۶۹	۰/۶۳۰	۰/۸۰۸
CURR	نسبت جاری	نسبت	۵۰/۱۹۶	۵/۴۸۴	۰/۹۳۰	۱۳/۱۵۰	۰/۱۳۱	۱/۲۳۷	۱/۴۰۱
INVREC	موجودی و حسابهای دریافتی	نسبت	۰/۴۸۲	۰/۴۷۴	۰/۰۵۹	۰/۹۴۳	۰/۱۹۷	۰/۰۲۵	-۰/۸۳۰

با توجه به نتایج حاصل از جدول فوق آماره‌های توصیفی فوق می‌توان بیان داشت: میانگین به عنوان مهم‌ترین پارامتر مرکزی و انحراف معیار به عنوان مهم‌ترین پارامتر پراکندگی به همراه شاخص‌های حداقل و حداکثر در این جدول ارائه گردیده‌اند. نتایج حاصل از میانگین در متغیرهای پژوهش بیان‌گر نقطه‌ی تعادل و مرکز ثقل است. در احتمال و آمار، انحراف معیار نوعی سنجش پراکندگی برای یک توزیع احتمال یا متغیر تصادفی می‌باشد. در آماره‌های توصیفی شاخص اندازه‌گیری پارامترهای تعیین انحراف از قرینگی ضریب چولگی است مثبت بودن چولگی تمامی متغیرها به جز متغیرهای تمرکز مالکیت با نماد (OwnConc) به میزان ۱/۵۱۹-، متغیر انتشار پیش بینی سود با نماد (ISSUE) به میزان ۲/۶۵۳-، متغیر فروش صادراتی با نماد (FOREING) به میزان ۰/۹۰۹-، متغیر سن شرکت با نماد (AGE) به میزان ۰/۷۰۹-، نشان از آن دارد که توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بزرگتر (چولگی مثبت) است. شاخص سنجش پراکندگی جامعه نسبت به توزیع نرمال ضریب کشیدگی نام دارد. نتایج نشان می‌دهد با توجه به مثبت بودن ضریب کشیدگی تمامی متغیرهای پژوهش به جز متغیر حسابرس مشهور با نماد (BIG) به میزان ۰/۱۳۳-، و متغیر شهرت حسابرس با نماد (GROUP) به میزان ۱/۶۸۹-، متغیر فروش صادراتی با نماد (FOREING) به میزان ۱/۱۷۳-، متغیر سن شرکت با نماد (AGE) به میزان ۰/۲۵۴- و متغیر کنترل موجودی و حسابهای دریافتی با نماد (INVREC) به میزان ۰/۸۳۰- توزیع جامعه از توزیع نرمال بلندتر است در نتیجه پراکندگی آن از توزیع نرمال کمتر می‌باشد.

آزمون‌های تشخیصی در تعیین نوع داده‌ها در مدل‌ها

داده‌های ترکیبی^۱ به یک مجموعه از داده‌هایی گفته می‌شود که بر اساس آن مشاهدات به وسیله‌ی تعداد زیادی از متغیرهای مقطعی (N) که اغلب به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند، در طول یک دوره‌ی زمانی مشخص (T) مورد بررسی قرار گرفته باشند. در این صورت $N \times T$ داده‌ی آماری را داده‌های ترکیبی یا داده‌های مقطعی - سری زمانی می‌نامند. به این دلیل که داده‌های ترکیبی در برگیرنده‌ی هر دو جنبه‌ی داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی است، به کارگیری مدل‌های توضیح‌دهنده آماری مناسبی که ویژگی‌های آن متغیرها را توصیف کند، پیچیده‌تر از مدل‌های استفاده شده در داده‌های مقطعی و سری زمانی است. در سال‌های اخیر از روش ترکیب داده‌های مقطعی و سری زمانی در پژوهش‌های کاربردی زیادی استفاده شده است. شناخت ویژگی‌های این روش آماری و شرح انواع مدل و آزمون‌های به کار رفته در آن، در ادامه تشریح می‌گردد. در ادامه نوع داده‌های به کار گرفته شده در این مدل‌ها بر حسب شماره‌ی فصل چهار بر اساس آزمون‌های آماری تشخیص نوع داده‌ها تعیین می‌گردد.

آزمون هریس و تیزاوالیس

در ابتدا لازم است مشخص شود که مدل به روش داده‌های تلفیقی یا حداقل مربعات معمولی^۲ یا داده‌های تابلویی (پانل دیتا) برازش شود که به این منظور از آزمون هریس و تیزاوالیس^۳ استفاده می‌شود. فرضیه‌ی صفر (H0) آزمون بیان می‌کند که تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضریب برآورده شده جمعی وجود ندارد بدین معنا که لزومی به برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی (پانل دیتا) نیست، به عبارت دیگر مدل داده‌های تلفیقی یا حداقل مربعات معمولی

¹ Panel Data

² Ordinary Least Squares (OLS)

³ Harris-Tzavalis

به مدل آثار ثابت ارجح است. پس از انجام آزمون هریس و تیزاوالیس، آماره‌ی محاسبه شده با مقدار بحرانی آماره مقایسه می‌شود. در صورتی که مقدار احتمال آماره‌ی محاسبه شده کمتر از مقدار $0/05$ باشد فرضیه‌ی صفر پذیرفته نمی‌شود و لازم است مدل به روش داده‌های تابلویی (پانل دیتا) برآورد شود. جدول ۳ نتیجه‌ی آزمون هریس و تیزاوالیس را نشان می‌دهد.

جدول ۳: آزمون هریس و تیزاوالیس برای انتخاب روش حداقل مربعات معمولی یا پانل دیتا

ردیف	فرضیه‌ی صفر (H_0)	آزمون	آماره Z	احتمال	نتیجه
۱	ارجحیت روش حداقل مربعات معمولی	هریس و تیزاوالیس	-۳۷,۰۹۰	۰/۰۰۰	رد فرضیه‌ی صفر

منبع: محاسبات محقق

با توجه نتایج جدول ۳ از آزمون هریس و تیزاوالیس می‌توان دریافت که مقدار آماره‌ی به دست آمده از آزمون در تمامی مدل‌ها بزرگتر از مقدار بحرانی آماره در سطح ۹۵ درصد است و با توجه به مقدار احتمال حاصل از آزمون فرضیه‌ی H_0 مقدار احتمال در تمامی مدل‌ها کمتر از $0/05$ شده است یعنی ارجحیت روش حداقل مربعات معمولی رد شده و روش داده‌های تابلویی (پنل دیتا) در تخمین مدل‌ها پذیرفته می‌شود.

آزمون تصریح هاسمن در مدل‌ها

آزمون تصریح هاسمن ۱ که در سال ۱۹۷۸ توسط هاسمن ارائه شد، بر پایه‌ی وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون برآورد شده و متغیرهای مستقل شکل گرفته است. اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد، مدل آثار تصادفی و اگر این ارتباط وجود نداشته باشد، مدل آثار ثابت کاربرد خواهد داشت. آماره‌ی این آزمون دارای توزیع کای دو با درجه‌ی آزادی $k-1$ خواهد بود ($k-1$ برابر با ضرایب X ها است). اگر مقدار آماره‌ی کای دو محاسبه شده از مقدار بحرانی کای دو جدول بیشتر باشد و یا به عبارتی p - مقدار این آزمون کمتر از آلفا تعیین شده (۵۰ درصد) باشد، در این صورت فرضیه‌ی H_0 رد می‌شود. یعنی مدل آثار ثابت بر مدل آثار تصادفی برتری دارد. نتایج حاصل از آزمون هاسمن در جدول (۴) نمایش داده شده است. این جدول به طور خلاصه حاوی اطلاعات مدل‌ها جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش می‌باشد.

جدول ۴: آزمون هاسمن انجام شده برای تعیین مدل آثار تصادفی در مقابل مدل آثار ثابت

مدل	فرضیه‌ی صفر (H_0)	نام آزمون	آماره χ^2	احتمال	نتیجه	نوع آزمون
۱	استفاده از روش آثار تصادفی	هاسمن	۹/۳۶	۰/۱۵۴	تأیید فرضیه‌ی صفر	آثار تصادفی
۲	استفاده از روش آثار تصادفی	هاسمن	۷/۸۰	۰/۱۶۷	تأیید فرضیه‌ی صفر	آثار تصادفی
۳	استفاده از روش آثار تصادفی	هاسمن	۱۱/۱۲	۰/۳۴۸	تأیید فرضیه‌ی صفر	آثار تصادفی

منبع: محاسبات محقق

با توجه نتایج جدول ۴ حاصل از آزمون هاسمن قبل از آزمون مدل‌ها در فرضیه‌های پژوهش می‌توان دریافت که با توجه به مقدار آماره‌ی به دست آمده از آزمون و مقدار احتمال حاصل از آزمون که در مدل‌های پژوهش بیشتر از $0/05$ است فرضیه‌ی صفر آزمون تأیید شده یعنی ارجحیت مدل آثار ثابت مورد قبول واقع نشده و به عبارتی روش مدل آثار تصادفی در سال-شرکت‌های مورد بررسی در این مدل‌ها مورد بررسی پذیرفته می‌شود.

آزمون فرضیه‌ی اول

همان‌گونه که در فصل سوم تشریح شد به منظور آزمون فرضیه‌ی اول پژوهش از مدل رگرسیونی لجستیک (۳-۱) استفاده می‌شود. پس از تأیید مدل آثار تصادفی با توجه به آزمون‌های انجام شده، مدل رگرسیونی لجستیک مورد نظر برآورد می‌شود. جدول شماره‌ی ۵ برآورد رگرسیون مدل فوق را ارائه نموده است. همان‌گونه که قبلاً اشاره شده است، ضروری است قبل از بررسی متغیرها و بررسی تأیید یا عدم تأیید فرضیه‌ها، معنی‌دار بودن کل مدل مورد آزمون قرار گیرد. این امر با محاسبه‌ی آماره‌ی LR و p - مقدار این آماره میسر می‌شود. با توجه به این که p - مقدار محاسبه شده برای این آماره کمتر از $0/05$ است، از این رو در سطح خطای پنج درصد می‌توان معنی‌دار بودن کل مدل را مورد تأیید قرار داد.

جدول ۵: برآورد مدل رگرسیونی شماره ۱ با استفاده از روش پانل لجستیک

آثار تصادفی

نماد	ضریب	انحراف	آماره‌ی Z	p - مقدار
C	۰/۴۳۸	۱/۰۶۸	۰/۴۱	۰/۶۸۲
GROUP	-۰/۱۳۶	۰/۱۵۳	-۰/۸۹	۰/۳۷۲
SIZE	-۰/۰۹۷	۰/۱۲۵	-۰/۷۸	۰/۴۳۸
LEV	۰/۴۱۲	۰/۳۵۸	۱/۱۵	۰/۲۵۱
ROA	۰/۹۱۲	۰/۷۲۶	۱/۲۶	۰/۲۰۹
LOSS	۰/۱۱۱	۰/۲۴۹	۰/۴۵	۰/۶۵۴
ISSUE	۰/۲۳۸	۰/۲۲۷	۱/۰۵	۰/۲۹۵
ATURN	۰/۱۲۹	۰/۱۲۵	۱/۰۳	۰/۳۰۲
GROWTH	-۰/۱۰۲	۰/۱۴۷	-۰/۶۹	۰/۴۸۸
CFO	-۱/۱۲۷	۰/۵۹۷	-۱/۸۹	۰/۰۵۹
FOREING	-۰/۱۳۱	۰/۱۶۶	-۰/۷۹	۰/۴۳۰
SOE	-۰/۴۰۶	۰/۲۰۶	-۱/۹۷	۰/۰۴۹
AGE	-۰/۲۸۲	۰/۱۸۳	-۱/۵۴	۰/۱۲۴
MB	۰/۰۸۴	۰/۱۱۴	۰/۷۴	۰/۴۵۹
CURR	۰/۰۵۳	۰/۰۸۱	۰/۶۵	۰/۵۱۷
INVREC	-۰/۴۱۵	۰/۴۰۶	۱/۰۲	۰/۳۰۷
IND2	۰/۵۳۲	۰/۲۸۲	۱/۸۹	۰/۰۵۹
IND3	-۰/۵۱۵	۰/۳۳۴	-۱/۵۴	۰/۱۲۴
IND4	۰/۱۶۹	۰/۲۴۶	۰/۶۹	۰/۴۹۲
IND5	۰/۲۰۰	۰/۲۶۳	۰/۷۶	۰/۴۴۸
IND6	۰/۲۸۸	۰/۲۹۰	۰/۹۹	۰/۳۲۱
IND7	۰/۰۶۶	۰/۲۹۵	۰/۲۳	۰/۸۲۱

پس از تأیید رویکرد آثار تصادفی، مدل رگرسیونی لجستیک مورد نظر با رویکرد داده‌های تلفیقی (پانل دیتا) برآورد شد. فرضیه‌ی اول پژوهش بیان می‌کند: فرضیه اصلی: بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور رابطه معنی‌داری وجود دارد. بیان آماری این فرضیه به شکل زیر است:

بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور رابطه معنی داری وجود دارد: H_0
بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور رابطه معنی داری وجود ندارد: H_1

نتایج نشان داد وابستگی به گروه تجاری با ضریب (-۰/۱۳۶) در سطح خطای پنج درصد ($p = ۰/۳۷۲$) با انتخاب حسابرسان مشهور رابطه‌ی معنی داری ندارد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌ی اول پژوهش مورد پذیرش واقع نمی‌گردد. آزمون فرضیه‌ی دوم

همان گونه که در فصل سوم تشریح شد به منظور آزمون فرضیه‌ی دوم پژوهش از مدل رگرسیونی لجستیک (۳-۲) استفاده می‌شود. پس از تأیید مدل با توجه به آزمون‌های انجام شده، مدل رگرسیونی لجستیک مورد نظر برآورد می‌شود. جدول شماره-۶ ی ۶ برآورد رگرسیون مدل فوق را ارائه نموده است. همان گونه که قبلاً اشاره شده است، ضروری است قبل از بررسی متغیرها و بررسی تأیید یا عدم تأیید فرضیه‌ها، معنی دار بودن کل مدل مورد آزمون قرار گیرد. این امر با محاسبه‌ی آماره‌ی LR و p -مقدار این آماره میسر می‌شود. با توجه به این که p -مقدار محاسبه شده برای این آماره کمتر از ۰/۰۵ است، از این رو در سطح خطای پنج درصد می‌توان معنی دار بودن کل مدل را مورد تأیید قرار داد.

جدول ۶: برآورد مدل رگرسیونی شماره ۲ با استفاده از روش پانل لجستیک آثار تصادفی

نماد	ضریب	انحراف	آماره‌ی Z	p -مقدار
C	۰/۴۳۸	۱/۰۶۸	۰/۴۱	۰/۶۸۲
GROUP	-۰/۱۳۶	۰/۱۵۳	-۰/۸۹	۰/۳۷۲
GROUP * OwnConc	-۰/۰۹۷	۰/۱۲۵	-۰/۷۸	۰/۴۳۸
SIZE	۰/۴۱۲	۰/۳۵۸	۱/۱۵	۰/۲۵۱
LEV	۰/۹۱۲	۰/۷۲۶	۱/۲۶	۰/۲۰۹
ROA	۰/۱۱۱	۰/۲۴۹	۰/۴۵	۰/۶۵۴
LOSS	۰/۲۳۸	۰/۲۲۷	۱/۰۵	۰/۲۹۵
ISSUE	۰/۱۲۹	۰/۱۲۵	۱/۰۳	۰/۳۰۲
ATURN	-۰/۱۰۲	۰/۱۴۷	-۰/۶۹	۰/۴۸۸
GROWTH	-۱/۱۲۷	۰/۵۹۷	-۱/۸۹	۰/۰۵۹
CFO	-۰/۱۳۱	۰/۱۶۶	-۰/۷۹	۰/۴۳۰
FOREING	-۰/۴۰۶	۰/۲۰۶	-۱/۹۷	۰/۰۴۹
SOE	-۰/۲۸۲	۰/۱۸۳	-۱/۵۴	۰/۱۲۴
AGE	۰/۰۸۴	۰/۱۱۴	۰/۷۴	۰/۴۵۹
MB	۰/۰۵۳	۰/۰۸۱	۰/۶۵	۰/۵۱۷
CURR	-۰/۴۱۵	۰/۴۰۶	۱/۰۲	۰/۳۰۷
INVREC	۰/۵۳۲	۰/۲۸۲	۱/۸۹	۰/۰۵۹
IND2	-۰/۵۱۵	۰/۳۳۴	-۱/۵۴	۰/۱۲۴
IND3	۰/۱۶۹	۰/۲۴۶	۰/۶۹	۰/۴۹۲
IND4	۰/۲۰۰	۰/۲۶۳	۰/۷۶	۰/۴۴۸
IND5	۰/۲۸۸	۰/۲۹۰	۰/۹۹	۰/۳۲۱
IND6	۰/۰۶۶	۰/۲۹۵	۰/۲۳	۰/۸۲۱

پس از تأیید رویکرد آثار تصادفی، مدل رگرسیونی لجستیک مورد نظر با رویکرد داده‌های تلفیقی (پانل دیتا) برآورد شد. فرضیه‌ی دوم پژوهش بیان می‌کند: فرضیه ۲: تمرکز مالکیت در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور تاثیر معنی داری دارد. بیان آماری این فرضیه به شکل زیر است:

تمرکز مالکیت در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور تاثیر معنی داری دارد. H_0
تمرکز مالکیت در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حسابرسان مشهور تاثیر معنی داری ندارد. H_1
نتایج نشان داد برهمکنش تمرکز مالکیت و وابستگی به گروه تجاری با ضریب $(-0/002)$ در سطح خطای پنج درصد $(p = 0/546)$ با انتخاب حسابرسان مشهور رابطه‌ی معنی داری ندارد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌ی دوم پژوهش مورد پذیرش واقع نمی‌گردد.

آزمون فرضیه‌ی سوم

همان گونه که در فصل سوم تشریح شد به منظور آزمون فرضیه‌ی سوم پژوهش از مدل رگرسیونی لجستیک (۳-۳) استفاده می‌شود. پس از تأیید مدل آثار تصادفی با توجه به آزمون‌های انجام شده، مدل رگرسیونی لجستیک مورد نظر برآورد می‌شود. جدول شماره‌ی ۷ برآورد رگرسیون مدل فوق را ارائه نموده است. همان گونه که قبلاً اشاره شده است، ضروری است قبل از بررسی متغیرها و بررسی تأیید یا عدم تأیید فرضیه‌ها، معنی دار بودن کل مدل مورد آزمون قرار گیرد. این امر با محاسبه‌ی آماره‌ی LR و p - مقدار این آماره میسر می‌شود. با توجه به این که p - مقدار محاسبه شده برای این آماره کمتر از $0/05$ است، از این رو در سطح خطای پنج درصد می‌توان معنی دار بودن کل مدل را مورد تأیید قرار داد.

جدول ۷: برآورد مدل رگرسیونی شماره ۴ با استفاده از روش پانل لجستیک آثار تصادفی

نماد	ضریب	انحراف	آماره‌ی Z	p - مقدار
C	-0/413	1/069	0/39	0/699
GROUP	-0/133	0/153	-0/87	0/384
GROUP * FRQ	-0/055	0/140	-0/40	0/692
SIZE	-0/099	0/125	-0/79	0/430
LEV	0/403	0/360	1/12	0/263
ROA	1/002	0/762	1/31	0/189
LOSS	0/107	0/249	0/43	0/665
ISSUE	0/239	0/227	1/05	0/293
ATURN	0/124	0/125	0/99	0/322
GROWTH	-0/108	0/152	-0/71	0/476
CFO	-1/246	0/669	-1/86	0/063
FOREING	-0/129	0/167	-0/78	0/437
SOE	-0/405	0/206	-1/97	0/049
AGE	-0/284	0/186	-1/55	0/121
MB	0/086	0/114	0/76	0/450
CURR	0/052	0/081	0/64	0/525
INVREC	-0/423	0/407	-1/04	0/298
IND2	-0/533	0/282	1/89	0/059

۰/۱۳۱	-۱/۵۱	۰/۳۳۵	-۰/۵۰۶	IND3
۰/۴۹۳	۰/۶۹	۰/۲۴۶	۰/۱۶۹	IND4
۰/۴۴۰	۰/۷۷	۰/۲۶۴	۰/۲۰۳	IND5
۰/۳۱۷	۱/۰۰	۰/۲۹۰	۰/۲۹۱	IND6
۰/۸۱۷	۰/۲۳	۰/۲۹۵	۰/۰۶۸	IND7

پس از تأیید رویکرد آثار ثابت، مدل رگرسیونی لجستیک مورد نظر با رویکرد داده‌های تلفیقی (پانل دیتا) برآورد شد. معنی‌دار بودن کل مدل با استفاده از مقدار احتمال آماره‌ی LR مورد تأیید قرار گرفت. فرضیه‌ی سوم پژوهش بیان می‌کند: فرضیه ۲: کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حساب‌برسان مشهور تاثیر معنی‌داری دارد. بیان آماری این فرضیه به شکل زیر است:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0 \text{ کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حساب‌برسان مشهور تاثیر معنی‌داری دارد.} \\ H_1 \text{ کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حساب‌برسان مشهور تاثیر معنی‌داری ندارد.} \end{array} \right.$$
 نتایج نشان داد برهمکنش کیفیت گزارشگری مالی و وابستگی به گروه تجاری با ضریب (-۰/۰۵۵) در سطح خطای پنج درصد ($p = ۰/۶۹۲$) با انتخاب حساب‌برسان مشهور رابطه‌ی معنی‌داری ندارد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌ی سوم پژوهش مورد پذیرش واقع نمی‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پس از تأیید رویکرد آثار تصادفی، مدل رگرسیونی لجستیک مورد نظر با رویکرد داده‌های تلفیقی (پانل دیتا) برآورد شد. فرضیه‌ی اول پژوهش بیان می‌کند: فرضیه اصلی: بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حساب‌برسان مشهور رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان داد وابستگی به گروه تجاری با ضریب (-۰/۱۳۶) در سطح خطای پنج درصد ($p = ۰/۳۷۲$) با انتخاب حساب‌برسان مشهور رابطه‌ی معنی‌داری ندارد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌ی اول پژوهش مورد پذیرش واقع نمی‌گردد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش فانگ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی نداشت. پس از تأیید رویکرد آثار تصادفی، مدل رگرسیونی لجستیک مورد نظر با رویکرد داده‌های تلفیقی (پانل دیتا) برآورد شد. فرضیه‌ی دوم پژوهش بیان می‌کند: فرضیه ۱: تمرکز مالکیت در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حساب‌برسان مشهور تاثیر معنی‌داری دارد. نتایج نشان داد برهمکنش تمرکز مالکیت و وابستگی به گروه تجاری با ضریب (-۰/۰۰۲) در سطح خطای پنج درصد ($p = ۰/۵۴۶$) با انتخاب حساب‌برسان مشهور رابطه‌ی معنی‌داری ندارد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌ی دوم پژوهش مورد پذیرش واقع نمی‌گردد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش فانگ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی نداشت. فرضیه ۲: کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین وابستگی به گروه تجاری و انتخاب حساب‌برسان مشهور تاثیر معنی‌داری دارد. نتایج نشان داد برهمکنش کیفیت گزارشگری مالی و وابستگی به گروه تجاری با ضریب (-۰/۰۵۵) در سطح خطای پنج درصد ($p = ۰/۶۹۲$) با انتخاب حساب‌برسان مشهور رابطه‌ی معنی‌داری ندارد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌ی سوم پژوهش مورد پذیرش واقع نمی‌گردد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش فانگ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی نداشت.

محدودیت های تحقیق

در یک پژوهش علمی نظیر هر فعالیت دیگری مشکلاتی وجود دارد که مانع از روند فعالیت در شرایط عادی می شود و نتایج تحقیق را تحت تاثیر قرار می دهد. محدودیت زیر در راستای پژوهش حاضر قابل ذکر است:
عدم کنترل شرایط محیطی بازار سرمایه، همچون نوسانات نرخ ارز، بهره بانکی و ...
عدم بررسی سایر روش های محاسباتی در متغیرهای مورد مطالعه بر اساس تحقیقات موجود.

پیشنهادهایی جهت پژوهش های آینده

بررسی تاثیر ساختار مالکیت همچون ساختار هیات مدیره، ساختار کمیته حسابرسی بر انتخاب حسابرسان مشهور.
بررسی تاثیر نقش سهامداران کلیدی (نهادی، بزرگترین سهامدار، مالکیت سهم مدیران) بر انتخاب حسابرسان مشهور.

پیشنهادهای کاربردی

با توجه به نتیجه فرضیه های این تحقیق عامل وابستگی به گروه تجاری بر انتخاب حسابرسان مشهور تاثیر معنی داری ندارد پیشنهاد می شود مدیران بر اساس سایر تحقیقات انجام شده به سایر عوامل موثر بر انتخاب حسابرسان مشهور همچون توجه داشته باشند.

منابع

- ✓ اسحاق نیا، اعظم، (۱۳۹۴). تاثیر تجدید ارائه صورت های مالی بر تغییر حسابرس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اقتصادی.
- ✓ اسلامی بیگدلی، علیرضا، (۱۳۷۹)، سهام داران چه حقوق و تعهداتی دارند، سازمان بورس اوراق بهادار، شماره ۲۳.
- ✓ اعتمادی، حسین، لطفی، سلمان، (۱۳۹۵) پیش بینی تغییر حسابرس با استفاده از متغیرهای در ماندگی مالی: رویکرد داده کاوی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۲۵-۱۴۸.
- ✓ ایمان زاده، پیمان، (۱۳۸۵)، بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ✓ آقایی، آرزو، جاری، اعظم، (۱۳۹۲)، عوامل تعیین کننده تغییر حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۰۰-۱۰۹.
- ✓ بنی مهد، بهمن، اکبری، رضا، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین متغیرهای ورشکستگی آلتمن و تغییر حسابرس، حسابداری مدیریت، دوره ۳، شماره ۶، صص ۴۱-۴۷.
- ✓ بنی مهد، بهمن، فلاح میر عباسی، سید سلمان، (۱۳۸۹)، رابطه بین محافظه کاری حسابداری با تغییر حسابرس در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۹۵-۱۱۹.

- ✓ خدای پور، احمد، احمدی نژاد، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی بر تغییر حسابرسان، دانش حسابرسی، شماره ۱۶، صص ۲۵-۴۵.
- ✓ رضازاده، جواد، زارعی مروج، کمال، (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان در شرکت های ایرانی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۲۰، صص ۸۹-۱۰۶.
- ✓ روحی، علی، ایمان زاده، پیمان، (۱۳۸۸)، بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۸۵-۱۹۸.
- ✓ همت فر، محمود، جاوید، داریوش، همه خانی، صادق، (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین تقاضای خدمات حسابرسی از سوی شرکت ها و تغییر حسابرسان، پژوهش حسابداری، دوره ۳، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۵.
- ✓ Abbott, L.J., & Parker, S. (1999). Auditor quality and the activity and Independence of the audit committee. *General management Journal*, 71, 183-229.
- ✓ Almeida, H., and D. Wolfenzon. (2006). A theory of pyramidal ownership and family business groups. *Journal of Finance* 61 (6): 2637-80.
- ✓ Baek, J. S., J. K. Kang, and I. Lee. (2006). Business Groups and tunneling: Evidence from private securities offerings by Korean Chaebols. *Journal of Finance* 61 (5): 2415-49.
- ✓ Baek, J.-S., J.-K. Kang, and K. S. Park. (2004). Corporate governance and firm value: Evidence from the Korean financial crisis. *Journal of Financial Economics* 71 (2): 265-313.
- ✓ Cameran, M., Prencipe, A., & Marco Trombetta M. (2008). Earnings Management, audit tenure and auditor changes: does mandatory auditor rotation improve audit quality?. Accounting Department Universita Bocconi, Milan, Italy and Instituto de Empresa Business School, Madrid, Spain.
- ✓ Chen, C.J.P., Su, X., & Wu. X. (2010). Auditor Changes Following a Big 4 Merger with a Local Chinese Firm: A Case Study. *Auditing*. 29(1), 41-32.
- ✓ Chena, C-L, Yenb, G., & Chang, F-H. (2009). Strategic auditor switch and financial distress prediction-empirical findings from the TSE-listed firms. *Applied Financial Economics*, 19, 59-72.
- ✓ Claessens, S., and B. B. Yurtoglu. 2013. Corporate governance in emerging markets: A survey. *Emerging Markets Review* 15 (1): 1-33.
- ✓ Claessens, S., S. Djankov, J. Fan, and L. H. P. Lang. (2002). Disentangling the incentive and entrenchment effects of large shareholdings. *Journal of Finance* 57 (6): 2741-71.
- ✓ El Ghoul, S., O. Guedhami, and J.A. Pittman. (2015). Cross-country evidence on the importance of Big Four auditors to equity pricing: The mediating role of legal institutions. Working paper,
- ✓ Faccio, M., L. H. P. Lang, and L. Young. (2001). Dividends and expropriation. *American Economic Review* 91 (1): 54-78.
- ✓ Fan, J., and T. J. Wong. (2005). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia. *Journal of Accounting Research* 43 (1): 35-72.
- ✓ Fang, J., Pittman, J., Zhang, Y., & ZHAO, Y. (2017). Auditor Choice and Its Implications for Group-Affiliated Firms. *Contemporary Accounting Research*, 34(1), (Spring), 39-82 .

- ✓ Firth, M., P. Fung, and O. Rui. (2007). Ownership, two-tier board structure, and the informativeness of earnings – evidence from China. *Journal of Accounting and Public Policy* 26 (4): 463–96.
- ✓ Fisman, R., and Y. X. Wang. (2010). Trading favors within Chinese business groups. *American Economic Review* 100 (2): 429–33.
- ✓ Ginsberg, A., & Venkatraman, N. (1985). Contingency perspectives of organizational strategy: A critical review of the empirical research. *Academy of Management Review*, 10, 421–434.
- ✓ Gomes, A. 2000. Going public without governance: Managerial reputation effects. *Journal of Finance* 55 (2): 615–46.
- ✓ Guedhami, O., J. Pittman, and W. Saffar. (2009). Auditor choice in privatized firms: Empirical evidence on the role of state and foreign owners. *Journal of Accounting and Economics* 48 (2–3): 151–71.
- ✓ Guedhami, O., J. Pittman, and W. Saffar. (2014). Auditor choice in politically connected firms. *Journal of Accounting Research* 52 (1): 107–62.
- ✓ Gul, F. A., J.-B. Kim, and A. A. Qiu. (2010.) Ownership concentration, foreign shareholding, audit quality, and stock price synchronicity: Evidence from China. *Journal of Financial Economics* 95 (3): 425–42.
- ✓ He, J., X. Mao, O. Rui, and X. Zha. 2013. Business groups in China. *Journal of Corporate Finance* 22: 166–92.
- ✓ Heliodoroa, P.A., Carreiraa, F., Lopesb, M. (2016). The change of auditor: The Portuguese case, *Revista de Contabilidad*, 19(2), 181–186
- ✓ Hudaib, M., & Cooke, T.E. (2005). The impact of managing director changes and financial distress on audit qualification and auditor switching. *Journal of Business Finance & Accounting*, 32(9-10), 1170–1210.
- ✓ Jia, N., J. Shi, and Y. Wang. (2013). Coinsurance within business groups: Evidence from related party transactions in an emerging market. *Management Science* 59 (10): 2295–313.
- ✓ Jian, M., and T. J. Wong. (2010). Propping through related party transactions. *Review of Accounting Studies* 15 (1): 70–105
- ✓ Keister, L.A. (1998). Engineering growth: Business group structure and firm performance in China's transition economy. *American Journal of Sociology* 104 (2): 404–40.
- ✓ Khanna, T., and K. Palepu. (2000). Is group affiliation profitable in emerging markets? An analysis of diversified Indian business groups. *Journal of Finance* 55 (2): 867–92.
- ✓ Khanna, T., and Y. Yafeh. (2007). Business groups in emerging markets: Paragons or parasites? *Journal of Economic Literature* 45 (2): 331–72.
- ✓ Knapp, M.C. & Elikai, F.M. (1988). Auditor Changes: A Note on the Policy Implications of Recent Analytical and Empirical Research. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 3, 78–86.
- ✓ Lin, Z.J., & Liu, M. (2009). The Determinants of Auditor Switching from the Perspective of Corporate Governance in China. *Corporate Governance: An International Review*, 17(4), 476–491.
- ✓ Lins, K. V. (2003). Equity ownership and firm value in emerging markets. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 38 (1): 159–84.

- ✓ Lins, K. V., and H. Servaes. (2002). Is corporate diversification beneficial in emerging markets? *Financial Management* 31 (2): 5–31.
- ✓ Myers, J.N., Myers, L.A., Palmrose Z.V., & Scholz, S. (2003). Mandatory Auditor Rotation: Evidence from Restatements. working paper, University of Southern California.
- ✓ Pagano, M., and A. Rœoell. (1998). The choice of stock ownership structure: Agency costs, monitoring, and the decision to go public. *Quarterly Journal of Economics* 113 (1): 187–225.
- ✓ Shevlin, T., T. Y. H. Tang, and R. J. Wilson. (2012). Domestic income shifting by Chinese listed firms. *Journal of the American Taxation Association* 34 (1): 1–29.
- ✓ Shin, H., and Y. S. Park. (1999). Financial constraints and internal capital markets: Evidence from Korean “chaebols”. *Journal of Corporate Finance* 5 (2): 169–91.
- ✓ Simunic, D. A. 1980. The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research* 18 (1): 161–90.
- ✓ Yang, Z. (2013). Do political connections add value to audit firms? Evidence from IPO audits in China. *Contemporary Accounting Research* 30 (3): 891–921.